سرمقاله

غفلت دولت و موج جدیدی از مهاجرت

حفیظ الله زکی

وضعیت نابسامان کشور مردم را وادار به تحمل سختی ها و تهدیدهای مهاجرت به خارج از کشور کرده است.

ناامنی های که پیش از این در حملات انتحاری، ماین های کنار جاده ای و احیانا عملیات های کوچک چریکی محدود می شد؛ امروز به جنگ های جبهه ای و رویارو تبدیل شده و حملات انتحاری شدیدتر و تاکتیک حملات نیز پیچیده تر و بیرحمانه تر گردیده است. امروز ما تنها با طالبان و شبکه حقانی مواجه نیستیم. گروه های خطرناک و نو ظهوری به وجود آمده که نه در فکر قضاوت مردم است و نه در بند حقوق بشر و موضع گیری های سازمان ملل. خودشان اند و ایده های افراطی و عمل بیرحمانه و غیر انسانی شان.

وضعیت سیاسی کشور که اصلا قابل تعریف نیست. اختلافات درون حکومتی و دشواری های تصمیم گیری، فاصله میان دولت و مردم را بیشتر کرده و نارضایتی های عمومی را به اوج رسانده است. نابسامانی های سیاسی که با پیامدهای منفی در سایر عرصه ها همراه گردیده، حکومت افغانستان را در انظار بین المللی به ناکارا ترین حکومت دنیا تبدیل کرده است.

در ادارات هم که فساد موج می زند. آنچه در ادارات دیده می شود، فساد است و آنچه هرگز مشاهده نمی شود، کار متعهدانه و عمل صادقانه از سوی دولتمردان و کارمندان اداری است. کارمندان ادارات فکر می کنند که برای مدت کوتاهی در پست شان می باشند و یا گمان می کنند که قانون شکنی و بی پرسانی که هم اکنون در ادارات حاکم می باشد، ممکن است در آینده نه چندان دور، تحت کنترل بیاید و کارمندان در برابر وظایف خود مسؤل شناخته شوند.

این فکر آنها را وا داشته تا از هر راهی که می توانند، بیشترین بهره مادی را ببرند و به قول خودشان فرصت را از دست ندهند. امروزه دولتمردان ما در انظار عمومی به هیولاهایی تبدیل شده اند که به جای خدمت به مردم و تلاش برای نجات کشور، سرمایه و هستی آنها را بی باکانه می بلعند و دارایی ملی را بیرحمانه به تاراج می برند.

امروز مردم از بیکاری و فقر به ستوه آمده اند، ولی سرمایه های دولتمردان به ارقام نجومی می رسند. در سالهای گذشته مردم تلاش می کردند، بچه های شان را به مکتب بفرستند تا وارد دانشگاه شوند و به مدارج بالای علمی برسند، اما امروز همان مردم کوشش می کنند بچه های شان را از مکاتب و دانشگاهها بیرون کنند و برای کمک به مخارج خانواده و نجات از فقر و گرسنگی، برای کار به کشورهای خارج بفرستند.

مردم اعتمادشان را به صورت کامل نسبت به دولتمردان و دولت زنان از دست داده اند و به آنها به عنوان مدیران لایق و حاکمان دلسوز نگاه نمی کنند. سهمیه بندی پست ها و چوکی ها و واسطه بازی ها و زور سالاری ها، روند شایسته سالاری و قانونمداری را متوقف ساخته و سبب بیکاری و فقدان انگیزه تعلیم، تحصیل و کار در میان افراد شایسته، اما بی واسطه گردیده است. وقتی مردم می بینند که بستگان پانزده و شانزده ساله رهبران و قدرتمداران بدون حضور در اداره و به شکل غیابی، پست های مهم برای شان رزرو می شود و معاشات دالری برای شان مقرر می شود، اما هزاران فارغ التحصیل مقاطع لیسانس، ماستری و حتا دکترا از پیداکردن شغل خسته و درمانده شده و به کنج خانه ها روزگار می گذرانند، دیگر چه انگیزه و علاقه ای برای تعلیم و تحصیل برای جوانان باقی می ماند؟

وضعیت فعلی و شروع موج جدید مهاجرت به کشورهای خارجی، ضربات مهمی را به آینده این کشور وارد می سازد. جوانان سرمایه های علمی، اقتصادی و تأمین کننده نیروی فعال انسانی کشور در آینده می باشند؛ وقتی این جوانان بجای تعلیم و تحصیل، کارگری در کشورهای خارج را ترجیح بدهند، کشور ما با کمبود نیروی متخصص و فعال انسانی در سال های آینده مواجه خواهد شد. این امر بدون شک لطمه بزرگی به فرایند توسعه وارد کرده و سال ها این کشور را در عقب مانی و وابستگی به کمک های رایگان خارجی نگه خواهد داشت. دولت اگر دولت است باید به مشکل بیکاری وفقر توجه جدی مبذول دارد و جلوی سیل از مهاجران جوان را بگیرد.

توزیع تذکره الکترونیک به کجا رسید؟

علی قادری

هفت سال است که مسئله توزیع تذکره های الکترونیک بر سر زبان هاست. اما تا کنون توزیع عملی آن آغاز نشده است. مشکلات تخنیکی، سیاسی و اجتماعی از بزرگترین مشکل فراروی توزیع تذکره های الکترونیکی است. اگر در آغاز کار، مشکل تخنیکی باعث تأخیر در توزیع تذکره الکترونیکی شده بود، اکنون اما، مشکل سیاسی مانع اصلی فراروی توزیع تذکره الکترونیکی است. با توجه به اهمیت اساسی تذکره الکترونیکی در ساخت دولت الکترونیک، سرشماری نفوذ و در نهایت کمک آن در پالسی سازی لازم است نکات را در ذیل بنگارم.

اول؛ در تاریخ سیاسی افغانستان یک گروه اجتماعی به خاطر اکثریت خواندن خود بر گروه های اجتماعی دیگر حکومت کرده اند. مسئله اکثریت و اقلیت در دروان جدید مبنای تقسیم قدرت قرار گرفت. در کنفرانس بن مبنای تقسیم قدرت میان گروه های اجتماعی میزان نفوذ گروه های اجتماعی در نظر گرفته شد. بر این اساس، توزیع تذکره الکترونیکی گامی اساسی در راستای سرشماری جمعیت افغانستان است و مسئله تقسیم قدرت را حل می کند. مشخص نبودن میزان جمعیت گروه های اجتماعی یکی از مهمترین دلایل جدال قدرت میان نخبگان گروه های اجتماعی مختلف بوده است. با توزیع تذکره الکترونیکی منازعه قدرت تا اندازه زیاد جنبه عقلانی به خود می گیرد. توزیع قدرت در میان گروه های اجتماعی را تسهیل می بخشد. بنابراین، از این جهت، توزیع تذکره الکترونیکی کارکرد مهم در سازوگار قدرت دارد.

عقلانی شدن جدال و منازعه قدرت اما، باعث می شود که افغانستان که چشم انداز جدید بر روی افغانستان باز شود. زیرا، حل شدن مسئله بحران قدرت باعث می شود که بن بست های زیادی از سر راه برداشته شود و راه های زیادی به سمت توسعه یافتگی بر روی کشور گشوده شود. بنابراین، امکان عبور از گردنه مشکلات و بحران های کنونی ممکن گردد.

دوم؛ در دنیای کنونی، پالسی سازی و برنامه ریزی در شهر و روستا در سطح محلی و ملی بر مبنای میزان جمعیت صورت می گیرد. در صورت مشخص نبودن میزان جمعیت یک کشور پالسی ها و برنامه های حکومت و نهاد های خصوصی به بن بست مواجه می شود و در بسی موارد ناکارآمد جلوه می کند. مشخص نبودن میزان جمعیت در سطوح مختلف پالسی سازی اما، بیش از همه در بخش تخصیص بودجه ضربه می زند. کمبود بودجه در اجرای یک پالسی و برنامه تمام پالسی را به چالش می کشد و امکان اجرای درست و استاندارد هر پالسی را با مشکل مواجه می سازد. از این جهت، تذکره الکترونیک با مشخص نمودن میزان جمعیت کمکی بزرگی در تدوین، اجرای پالسی در سطح ملی و محلی می کند. جدا از این مسئله، بنا برخی الگو ها سیاست خارجی کشور ها نیز بر مبنای جمعیت کشور ها تدوین می گردد. از این جهت، مشخص نمودن میزان نفوذ به نوعی امکان تغییر منزلت کشور در سطح بین الملل نیز فراهم می کند. زیرا، سیاست خارجی به صورت دقیق و اساسی تدوین می گردد. بدون شک، تدوین سیاست خارجی به صورت دقیق موفقیت سیاست خارجی در دست یابی به اهداف سیاست خارجی و منافع ملی را ممکن می گرداند.

سوم؛ تجربه چهارده سال گذشته نشان داد که بخش از فساد های کلان که صورت گرفته است به خاطر مشخص نبودن میزان جمعیت ولایت ها، ولسوالی ها و در نهایت قریه ها بوده است. نمونه عینی و مشخص آن تخصیص بودجه به مکاتب و دانش آموزان خیالی بوده است. این یک نمونه بود که سیگار آن را افشا نمود. بدون شک، مواردی زیادی دیگر نیز هست که تا هنوز افشا نشده است. تخصیص بودجه به مکاتب و دانش آموزان خیالی نشان آن است که مشخص بودن جمعیت تأثیر به سزایی در کاهش فساد گسترده دارد. بنابراین، توزیع تذکره الکترونیکی به نوعی مبارزه با فساد نیز هست. این مسئله تاثیر به سزایی در روابط حکومت افغانستان با جامعه جهانی دارد. زیرا، فساد گسترده بر روابط حکومت با کشور های غربی سایه افکنده است. از این جهت، حکومت افغانستان با کنار گذاشتن مسائل سیاسی باید هر چه زودتر توزیع تذکره الکترونیک را آغاز نماید.

چهارم؛ در شرایط کنونی امکان گرفتن تذکره برای شهروندان خارجی نیز ممکن است. بنابر گزارش ها هزاران نفر از شهروندان خارجی و به خصوص پاکستانی دارای تذکره افغانی می باشد. این شهروندان خارجی به راحتی در گوشه و کنار کشور به راحتی رفت و آمد دارد. این مسئله برای امنیت افغانستان امری منفی است. زیرا، به راحتی شهروندان خارجی می توانند امنیت کشور را به مخاطره بیاندازد. بخش از ناامنی ها به خاطر، رفت و آمد آسان شهروندان خارجی در کشور است. زیرا، تذکره کنونی شرایط بود و باش راحت را برای آن ها در تمام سطوح کشور فراهم کرده است. توزیع تذکره الکترونیک و مشخص نمودن شهروندان خارجی در فرایند توزیع تذکره الکترونیک باعث بهبود در وضعیت امنیتی کشور می گردد. بنابراین، به لحاظ امنیتی تذکره الکترونیک کمک بزرگی به اوضاع و احوال نابسامان کشور می نماید. در زمانه کنونی که وضعیت امنیتی کشور هر روز بدتر می شود آغاز توزیع تذکره الکترونیک کمک می کند تا به نسبت به اوضاع امنیتی نیز سروسامان بدهیم.

تذکره الکترونیک در ساخت دولت الکترونیک نیز کمک می کند اما ما از ان فاصله زیاد داریم. اما توزیع تذکره الکترونیک ما را چند گام به ساخت دولت الکترونیک نیز نزدیک می کند. اما در وضعیت کنونی، دولت الکترونیک نه دغدغه نخبگان ماست و نه امکان شکل دهی آن وجود دارد. با این حال، همه چیز منوط به خواست و اراده نخبگان سیاسی است. همان طور که در اول این نوشتار متذکر شدم، دلیل اصلی فراروی توزیع تذکره الکترونیک سیاسی است. برداشتن این مانع نیز منوط به خواست و اراده نخبگان سیاسی است. در صورتی که نخبگان سیاسی در رأس قدرت اراده نماید که مسائل سیاسی بر سر توزیع تذکره الکترونیک را کنار بگذارد مانع برداشته شده است و مشکل جدی در توزیع آن وجود ندارد. با این حال، مسئله تنها نخبگان سیاسی نیست. بلکه در موارد زیاد شهروندان کشور بهانه به دست نخبگان سیاسی می دهد. به عنوان مثال درج نام مادر و ... از جمله موضوعات است که به عنوان بهانه دست آویز نخبگان کشور شده است و باعث شده است که توزیع تذکره الکترونیک با تأخیر مواجه شود.

در پایان باید گفت که تذکره الکترونیک سهولت های زیادی در پالسی سازی و سیاست گذاری کشور دارد. جدال و منازعه قدرت فرسایشی را از میان بر می دارد. از فساد میلیونی و میلیاردی جلوگیری می کند. با این حال، همه چیز به خواست نخبگان سیاسی بستگی دارد. مانع جدی دیگری فراروی آن وجود ندارد. شهروندان کشور نیز باید با درک این مسائل ایراد گیری های خود را کنار بگذارد و بهانه ای برای تأخیر به دست اداره توزیع تذکره الکترونیک و نخبگان کشور ندهد. اگر توزیع تذکره الکترونیک منوط به اراده نخبگان سیاسی است، بخش دیگر شان استقبال مردم است. اگر مردم به بهانه های بیجا تذکره نگیرد و از پروسه توزیع حمایت نکند، بدون شک توزیع آن با مشکل بر می خورد.

صنعت فرهنگ‌سازی و الگوی کلی فرهنگ توده

تئودور و. آدورنو / ترجمه: فرهاد سلمانیان / قسمت نهم

اطلاعات به سرسختانه‌ترین شکل، فساد ماهیت تصویر زیبایی‌شناختی را تقویت می‌کند. در همین راستا فیلم‌های سرگرم‌کننده هم تبدیل به خبر-فیلم یا فیلم‌های خبری و ادامه‌ی تبلیغات در مورد خودشان می‌شوند: در چنین تولیداتی مخاطب برای نمونه یاد می‌گیرد که لاتا ترنر[۵۸] با لباس زمستانی چطور به نظر می‌رسد، روش جدید فیلم‌برداری ارسن ولز چگونه است و آیا کیفیت صدای برنامه‌ها با موج اف ام (FM) واقعاً تفاوت چندانی با صدا در شیوه‌ی تولید برنامه در رادیوی قدیم دارد یا نه! همان سنخ تماشاگر کنسرت که از اجرا چیزی جز صدایی به یاد نمی‌آورد که انگار تا حدی از کوک نبودن پیانو خبر می‌دهد و همان نوع مخاطب، خریدار مستقیم و غیرمستقیم هر نوآوری پیشکشی به وی از سوی نظام انحصار فرهنگ توده است. نوآوری‌هایی که تبدیل به موضوع‌های ایده‌آل برای تولید کالاهای فرهنگی شده‌اند و خود مصرف‌کننده‌ی آن‌ها نیز در جایگاه مخاطبی تکثیرشده، مشابه آن‌هاست. آن محصولات هرچه آشکارتر گواه اطلاعات باشند و نیاز به اطلاع‌رسانی را برآورده کنند، به همان نسبت آبرومندتر و محترمانه‌تر به شمار می‌روند: از سوی دیگر، آن‌ها زمانی غیرقابل تحمل می‌شوند که می‌کوشند اطلاعات را در جایگاه همان چیزی بازسازی کنند که آن را با زرق و برق زاید، توضیح اضافی و طراحی زیبایی‌شناسانه حذف کرده‌اند: آگاهی.

اطلاع‌رسانی، وجود کنجکاوی‌ای را به‌مثابه‌ی شیوه‌ی رفتار مخاطب فرض می‌کند که تماشاگر با عطش ناشی از آن به مصنوعات فرهنگی روی می‌آورد. رک‌گویی و افشاگری‌ای که در گذشته برای فرومایه‌ترین روزنامه‌نویس‌ها محفوظ بود، در حال حاضر به جوهره‌ی فرهنگ رسمی تبدیل شده است. اطلاعات دریافتی از فرهنگ توده مدام در چنین روزنامه‌هایی به خواننده چشمک می‌زند. شمارگان میلیونی مجله‌های همگان‌پسند با ژستی جدی و خودبزرگ‌بینانه ضمن انتشارشان ماجراهای محرمانه و جزئیات پنهان را رواج می‌دهند. در این بین، دوربین تصویرگران نیز بر هر گونه جزئیات فیزیکی متمرکز می‌شود، کاری شبیه عینک‌های تماشای اپرا در زمان قدیم. هم آن روزنامه‌نویس و هم این تصویربردار می‌خواهند صرفاً با ظاهری دور از توهم، اما وجدانی معذب، ذهن را ترغیب کنند و این توهم را برایش برانگیزند که در فعالیت‌ها و صحنه‌های عرضه‌شده به آن مشارکت دارد و هیچ‌جا ذهن را به حاشیه نرانده‌اند.

هایدگر به نوجویی و کنجکاوی به مثابه‌ی عنصر ثابت، به عنوان «قانون بنیادین» وجودی-هستی‌شناختی و در اصل گرایش هستیِ متعلق به روزمرگی، جایگاهی افتخاری در بطن «درافتادگی» یا سقوط هستی‌دار[۵۹]، وجود انسانی در جهان و در میان جمع انسانی داده است. با وجود این که هایدگر به‌خوبی توانایی کنجکاوی و نوجویی را به‌مثابه‌ی عنصر پیونددهنده در روند کنش‌های جمعی و ارتباط توده‌ای دیده است، در نسبت دادن کنجکاوی به امر انسانی به خودی خود، آن را با این بینش، به تقصیر قربانی آن و نه زندانبان آن قربانی هم تبدیل می‌کند، [۶۰] و به همین دلیل در مورد انسان مرتکب بی‌عدالتی نیز می‌شود. البته کنش‌های جمعی مورد نظر هایدگر احتمالاً شکل خفیف‌تر تقلید جمعی و خواسته‌ی شباهت یافتن به دیگران است، و نه به‌حاشیه‌رانده از سوی اجتماع، نگه دارند. درست همین بخش از مجموعه، ارتش ذخیره‌ی خارج‌شدگان آن، اجازه‌ی مشارکت در فرهنگ توده را می‌یابد: فرهنگ توده نوعی جنون سازمان‌یافته‌ی ارتباط هر چیز با چیزهای دیگر و تجسم کلیت اسرار عمومی است. در چنین موقعیتی، همه‌ی آگاهان از آن اسرار، در امر مخفی سهیم دارند، همان‌طور که در نظام ناسیونال-سوسیالیست آلمان هیتلری ناگفته به همه برتری عضویت در جامعه‌ی مرموز نژادی و خونی پیشکش می‌شد. اما گرایش به باج‌خواهی نظام انحصار که در آن نوجویی و کنجکاوی [مورد اشاره هایدگر] و بی‌نزاکتی یکدیگر را کامل می‌کنند، بخشی از خشونتی است که فرد فاشیست همواره آماده‌ی کاربرد آن در برابر محرومان از برتری عضویت در نظام نژادپرست است.

ارضای حس کنجکاوی به هیچ وجه تنها در خدمت صرفه‌جویی و اقتصاد روانی نیست، بلکه در اصل منافع مادی بی‌واسطه‌ای را دنبال می‌کند. در چنین فضایی افراد همه‌چیزدان و آگاه از هر جهت را، مدام برای کاربرد و رجوع همه‌جانبه، به دیگران توصیه می‌کنند. آهنگ‌های پرطرفدار آلمان در دوران آغازین فاشیسم، همان سویه‌ی تاریخی کنجکاوی را به طرز بسیار چشمگیری حفظ کرده‌اند. برای نمونه ترانه‌ای مثل «بلدی سوت بزنی، آی یوهانا؟ آره جونی، بلدم! »[۶۱]. در این ترانه مهارت‌های اروتیک در وجود مفعول اشتیاق خوانندگان مرد در آهنگ، مانند قابلیت‌های لازم در بازار کاری پرازدحام به نظر می‌رسند.

چنین کنجکاوی‌ای [در پرسش‌های خوانندگان آهنگ]، بخشی از همان استحاله‌های رفتار انسان از سوی اقتصاد بازار است که پس از تکمیل‌شان به استقلال وجودی رسیده‌اند و تا حد بیماری، غیرعقلانی شده‌اند. در عصر یهودی‌ستیزی تمام‌عیار هر کس خود را به بی‌اطلاعی می‌زند. این رویه در مسابقه‌های معلومات عمومی مانند «کوییز کیدز»[۶۲] و هم‌خانواده‌های آن نیز به نوعی رسم معمول تبدیل شده است. این نوع بازی با کنجکاوی دقیقاً با اطلاعاتی مطابقت یافته که در مقابل در حین مشارکت در مسابقه، کنجکاوی را اجتماعی می‌کند. کنجکاوی موجود در این رقابت‌ها همواره بر امور ازپیش‌ساخته و اطلاعاتی تکیه داشته که دیگران از آن آگاهی دارند. آگاهی از پاسخ پرسش‌های چنین برنامه‌ای، همبستگی اجباری بر سر امری را به میان می‌آورد که پیش‌تر در موردش قضاوتی صورت گرفته است.

در چنین رقابت‌هایی در حین تفاهم با اکثریت، فرد می‌خواهد همزمان موضوعی را که قرار است در موردش اطلاع حاصل شود، از آن خود کند، مصادره کند. با حالتی حق‌به‌جانب که فرد همواره برای آن آماده است و با همین حالت که شبیه همه‌چیزدانی‌ست، می‌خواهد در عرصه‌های مختلف از جَک‌گویی گرفته تا پژوهش‌های اجتماعی دیکتاتوری خود را اعمال کند. آن هم با تأکید بر جمله‌هایی مانند «این را که می‌دانستیم».

با این حالتِ حق‌به‌جانب، فرد فقط نوعی خودستایی با مجموعه‌ی موجود انجام نمی‌دهد، بلکه همزمان آن مرجع را نیز به سکوت می‌کشاند که می‌کوشد دکانداران همان واقعیت‌های بنجلی را به مخاطب، قابل رجوع قالب کند که همان لحظه نیز دیگر بی‌اعتبار به نظر می‌رسند، چون هر کس خود پیشاپیش آن‌ها را می‌داند.

کنجکاوی و نوجویی دشمن امر نوینی‌ست که به هر حال آن را غیرمجاز اعلام کرده‌اند. نوجویی از این داعیه تغذیه می‌کنند که هیچ چیز تازه‌ای نمی‌تواند مستقل از آن وجود داشته باشد. و همچنین از این منبع ادامه‌ی حیات می‌دهد که هر چیزی متفاوت جلوه کند، پیشاپیش به کار استنتاج و رده‌بندی از سوی افراد آگاه از آن می‌آید.

اما [در مسابقه‌های معلومات عمومی] اشتیاقی که کنجکاوی همراه آن بروز می‌کند، در حین روند بازتولید و اکتساب اطلاعات، نیرویی را هدر می‌دهد که می‌توانست برای تجربه‌ی امری حقیقتاً نوین یا تولید آن مفید باشد. نا-هدفمندی و نابینایی این اشتیاق، اطلاعاتی را که برای کسب‌شان به آن‌ها رجوع می‌کند، بی‌اهمیت و نامربوط می‌سازد. هر چقدر هم که آماده‌داشتن اطلاعات و دانسته‌های فراوان جنبه‌ی کاربردی داشته باشد، به همان نسبت این قانون آهنین در مورد آن‌ها صادق است که اطلاعات ساده‌ی مورد بحث هرگز به امر اصیل دست نمی‌یابند و هرگز به تفکر نمی‌انجامند.[۶۳] ...ادامه دارد

کارتون روز

روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan
Daily Outlook Afghanistan

□صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
□مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳٤۱۸٦۱
□سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱٥۷۳۷۱
□ کاریکاتوریست: خالق علی زاده
□دیزاین: محمد صالحی، علی‌اصغر زاهدی
□مسئول وب سایت: مهدی صالحی
□آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷- ۱۳۷

روزنامهٔ‌افغانستان از همهٔ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدهٔ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com